

دکتر گری میدورز، شناخت اراده خدا، جلسه ۹، مؤلفه‌هایی که در یک مدل کتاب مقدسی پدیدار می‌شوند

گری میدورز و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

خب، به برخی از درس‌های قبلی‌مان در بخش دوم خوش آمدید، «تشخیص نیازمند مدل جهان‌بینی‌ها و ارزش‌های کتاب مقدس است.» و این مبحث نهم از مجموعه مباحث کتاب مقدس است، پس مطمئن شوید که مطالب لازم برای آن را دارید. مباحث نهم و دهم را دوباره بخوانید و خلاصه کنید.

می‌دانم که به طرق مختلف کمی تکرار داشته‌ایم، اما هر بار که تکرار می‌کنم، کمی اضافه می‌کنم و فقط سعی می‌کنم آن را به همان شکل به کار ببرم. امیدوارم برای شما هم مفید باشد. با وجود این واقعیت که ممکن است احساس کنید گاهی اوقات به چیزهای یکسانی نگاه می‌کنیم، چیزهای یکسان به طرق مختلف برمی‌گردند. آنها در جهان‌بینی، در ارزش‌ها و در رابطه با مدل‌های خاص خلق‌شده بازمی‌گردند.

بنابراین به هر حال، شناخت جهان‌بینی و ارزش‌های خدا و توجه به این موضوع، مروری بر مؤلفه‌ها است. می‌توانیم یک بار دیگر به این مؤلفه‌ها فکر کنیم و فکر می‌کنم این به ما در انجام این کار کمک خواهد کرد. فقط می‌خواهم به شما یادآوری کنم که فهرست مطالب خود را دارید و این سخنرانی ۹، مؤلفه‌هایی است که در یک مدل کتاب مقدس پدیدار می‌شوند. من فقط می‌خواهم مواردی را که در جاهای مختلف و برجسته ذکر کرده‌ایم، گرد هم آورم و سپس در درس ۱۰، پردازش برخی تصمیمات، در مورد آنها صحبت خواهیم کرد تا کمی بیشتر با صدای بلند فکر کنیم.

سپس بخش دوم را تمام می‌کنیم و به بخش سوم می‌رویم. این بخش، تشخیص چالش‌های ذهنی خواهد بود و می‌توانم به شما تضمین دهم که این بخش برای شما جالب خواهد بود. من از کار کردن روی وجدان، روح و موارد دیگر بسیار لذت می‌برم. پس، کمربندهایتان را ببندید و دوباره شروع می‌کنیم. بسیار خوب، تشخیص اراده خدا مستلزم شناسایی اجزای یک جهان‌بینی کتاب مقدسی و مدل ارزشی است که ما را هدایت می‌کند و ما این کار را به روش‌های مختلفی انجام داده‌ایم.

برمی‌گردم و سریع اینها را مرور می‌کنم. اینها ویدیوهای کوتاه‌تری خواهند بود، اما فقط می‌خواهم تعداد قابل توجهی از موضوعاتی را که به روش‌های خاصی به آنها پرداخته‌ایم، برجسته کنم. بسیار خوب، حالا موضوعاتی که مطرح می‌شوند.

خب، چیزی که مشخص می‌شود این است. تصمیمات باید توسط یک جهان‌بینی و سیستم ارزشی منطقی کتاب مقدس پردازش شوند. بنابراین، اگر ما در مورد دانستن اراده خدا و تصمیم‌گیری‌هایی که با آن مرتبط هستند صحبت می‌کنیم، همه چیز مبتنی بر استدلال از آن جهان‌بینی و مدل ارزشی است.

آنجا جایی است که ما اطلاعات خود را دریافت می‌کنیم. آنجا جایی است که ما تصمیمات خود را می‌گیریم. علاوه بر این، انسان‌ها باید تصویر خدا را منعکس کنند.

ما نمایندگان خدا هستیم، نه بازنمایی‌های او. این یک تصویر فیزیکی است، و البته ما آن را نداریم، اما ما نماینده هستیم. فکر می‌کنم به همین دلیل است که اخلاق چنین بخش عظیمی است.

همانطور که قبلاً اشاره کردم، مقدس باشید، زیرا من مقدس هستم و خداوند به طور خاص یک رویکرد اخلاقی به زندگی به ما ارائه داده است. ما باید با تصویر مسیح مطابقت داشته باشیم و این به معنای مطابقت با تصویر اخلاقی مسیح است. بنابراین، بسیار مهم است که در مورد تصویر خدا فکر کنیم.

به لحظه دیگه یه چیزی در موردش میگم. اوه. سقوط.

ما زیاد در مورد هبوط صحبت کرده‌ایم. این هبوط مهارت‌های ما را تحت الشعاع قرار می‌دهد. این هبوط و سیل، دنیای ما، حتی دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

زمینی که ما بررسی می‌کنیم، آن چیزی نیست که خدا در ابتدا خلق کرده است. اتفاقاتی افتاده است و دیدگاه‌های مختلفی در مورد چگونگی صحت این موضوع وجود دارد، اما من فکر می‌کنم اتفاقاتی افتاده است که برای ما در آنجا مشکلاتی ایجاد کرده است. و هبوط بر ذهن، تفکر و ظرفیت‌های ما تأثیر می‌گذارد.

ما آن چیزی نیستیم که می‌توانستیم باشیم. آدم یک مخلوق شگفت‌انگیز بود، و ای کاش من هم ظرفیت‌های ذهنی که آدم حتماً داشته را داشتم، اما ما خودمان را از بسیاری جهات خراب کرده‌ایم. علاوه بر این، تفسیر متن باید در چارچوب آن باشد.

این بسیار مهم است. شما نمی‌توانید بگویید منظور کتاب مقدس چیست تا زمانی که معنای آن را نفهمید. شما باید با متون مقدس به شیوه‌ی خودشان برخورد کنید.

شعر، روایت، ادبیات نامه‌نگاری، مطالب پیشگویانه، مطالب آخرالزمانی، این ژانرها به نوعی معنا دارند و ما باید این را درک کنیم تا بتوانیم به درستی از آنها آنچه را که نویسندگان قصد انتقال آن را داشته‌اند، استخراج کنیم. این موضوع تحقیق است. هیچ کس این کار را به طور طبیعی و به تنهایی انجام نمی‌دهد.

وقتی بازنشسته شدم، کتابخانه‌ای با حدود ۷۰۰۰ جلد کتاب داشتم. الان نزدیک یک کتابخانه الهیات در هوستون است. من یک مجموعه کتاب خیلی مینیمالیستی دارم که برای بعضی کارهای آنلاین و فقط برای مطالعه خودم از آنها استفاده می‌کنم.

اما واقعیت این است که ما باید تحقیق کنیم. این بخش حیاتی برای رشد در کلام خدا برای کسانی است که می‌خواهند به گونه‌ای رشد کنند که بتوانند رهبر دیگران باشند. بسیاری از مردم فرصت انجام این کار را ندارند.

سایت یادگیری کتاب مقدس به بسیاری از افراد اطلاعاتی می‌دهد که با هوش مصنوعی جدید و ترجمه این دوره‌ها به زبان‌های دیگر، نمی‌توانستند از راه‌های دیگر به دست آورند. این فوق‌العاده است و دانش خدا را در سیاره برای کسانی که از فرصت یادگیری استفاده می‌کنند، افزایش می‌دهد. در عین حال، اگر کسی منابع لازم را نداشته باشد، هنوز برای رسیدن به آن با چالش مواجه است.

اینترنت در این زمینه تأثیر زیادی داشته است، و من بارها به گوگل اسکالر اشاره کرده‌ام. بسیار خوب، پس باید در متن باشد. متون اثبات، ناپایدار هستند.

همانطور که شخصی گفت، کسی که متن اثباتی دارد، کسی است که بهانه‌ای دارد. و این بدان معناست که آنها از کلمات آن متن برای بیان یک جمله، برای گفتن آنچه می‌خواهند بگویند، استفاده می‌کنند. شما نمی‌توانید این کار را با کتاب مقدس انجام دهید.

شما نمی‌توانید صرفاً آیات را گلچین کنید تا چیزی را که می‌خواهید بشنوید، خلق کنید. و این اتفاق اغلب زمانی می‌افتد که افراد سعی می‌کنند با یافتن کلماتی در کتاب مقدس که از نظرات و پیش‌فرض‌های خود پشتیبانی می‌کند، آنها را تقویت کنند. اما مشکل این است که آن کلمات در متن، معنایی داشتند

ممکن است آن معنایی که شما فکر می‌کنید را نداشته باشد، و این باید در نظر گرفته شود. بنابراین، متون اثبات به طور خاص متزلزل هستند. ما آزاد هستیم که تشخیص دهیم

ما آزادیم که انتخاب کنیم، اما در ذات خود و همچنین در جهان بینی و ارزش‌ها و الگوی خود آزاد هستیم. طبیعت ما را از بسیاری جهات محدود می‌کند زیرا کنش اراده یک فرد در جهت طبیعت اوست. بنابراین، آزاد بودن در انتخاب درست است، اما آزادی یک افسانه است زیرا ما از خودمان آزاد نیستیم.

ما از پیش‌فرض‌هایی که ما را هدایت می‌کنند، رها نیستیم. بنابراین، آزاد بودن در انتخاب می‌تواند به همان اندازه که یک نعمت است، یک نفرین نیز باشد. ما باید با این موضوع بسیار محتاطانه برخورد کنیم

خرد از یک جهان بینی سرچشمه می‌گیرد. انجام کاری که خردمندانه است، استدلال می‌شود، نه صرفاً ادعا یا فرض. خرد محصول دانش است.

همانطور که بسیاری از منتقدان و مفسران خرد به شما خواهند گفت، خرد، دانشی مستقل است. بنابراین خرد چیزی نیست که ما در زندگی عمومی درباره آن صحبت می‌کنیم. می‌دانید، او (یک فرد خردمند است یا او) زن (یک فرد خردمند است

نه، حکمت در کتاب مقدس حوزه‌ای بسیار پیچیده‌تر از این است. این زندگی ماهرانه است، و آن زندگی ماهرانه از کتاب مقدس گرفته شده است، حتی زمانی که از کتاب مقدس نقل قول نمی‌شود، مانند بسیاری از ادبیات حکمت. بنابراین، مضامین پدیدار می‌شوند

را داریم که به صورت (Imago Dei) می‌توانید کمی در مورد این‌ها فکر کنید. ما مفاهیم مربوط به تصویر خدا خدا آفریده شده است. ما در مورد این موضوع صحبت کرده‌ایم و نیازی به توضیح بیشتر ندارم، اما می‌خواهم آن را به عنوان یکی از مؤلفه‌های همه اینها دوباره مطرح کنم.

انسان تصویر خداست، به این معنی که او یک موجود مادی بصری است، به این معنی که او جسمانی است، نماینده نامرئی، بدون بدن، ببخشید، خدا. گاهی اوقات سؤالی مطرح می‌شود: آیا خدا، به عنوان خدا، جایی در فضا اشغال می‌کند؟ حالا عیسی این کار را می‌کند چون عیسی انسان شد. روح چگونه در فضا اشغال می‌کند؟ اینکه خدا بر تخت سلطنت است به چه معناست؟ ما این تصویر را داریم، اما عیسی تنها کسی است که تا به حال خواهیم دید.

تا جایی که من از کتاب مقدس در مورد او و تجسم و ذات نامرئی خدا برداشت می‌کنم، او به معنای جسمانیت، فیزیکی نیست. ما نماینده هستیم نه نماینده

حال، تمام بشریت، بدون هیچ تمایزی، تصویر خدا هستند. مهم نیست چه کسی باشد. هر کسی که متولد می‌شود، به تصویر خداست.

این تصویر را نباید بیش از آنکه از منظر هستی‌شناختی درک کرد، از منظر وجودی باید فهمید. معنای آن این است که این تصویر، بیان چگونگی تصویرسازی خداوند از خود در قالب انتقال آن به یک انسان است. ما

فکر می‌کنیم، احساس می‌کنیم، انتخاب می‌کنیم و می‌توانیم با انتخاب‌هایمان خدا را جلال دهیم، یا می‌توانیم با انتخاب‌هایمان علیه خدا باشیم.

و کتاب مقدس هر دوی این موارد را منعکس می‌کند. بنابراین تصویر خدا مهم است. می‌توان مطالب زیادی در مورد آن مطالعه کرد.

کارکردهای سنتی تصویر خدا. به طور سنتی، ما در مورد تفکر، احساس، انتخاب و خودمختاری صحبت می‌کنیم. و این ما را متفاوت می‌کند.

قلمرو حیوانات خیلی فکر می‌کند. همچنین بسیاری از چیزهایی که ما آنها را چیزهایی می‌نامیم که به طرق مختلف در آنها ریشه دوانده است. اگر تا به حال سگ داشته‌اید، می‌دانید که سگ‌ها احمق نیستند.

و با این حال، در عین حال، آنها نمی‌توانند بفهمند که چگونه از خانه خارج شوند. در عین حال، یک انسان می‌تواند این کار را انجام دهد، حتی زمانی که درها ممکن است قابل تنظیم باشند و غیره. بنابراین، بین قلمرو حیوانات و قلمرو انسان‌ها تفاوت وجود دارد، و ما ایماگو دئی هستیم.

فرشتگان تصویر خدا نیستند. ما هستیم. ما جایگاه ویژه‌ای در آفرینش داریم.

در یک فرآیند تصمیم‌گیری، ما در مورد خدا تأمل می‌کنیم. ما با درگیر کردن جهان‌بینی و ساختار ارزشی او، او را ستایش می‌کنیم و آن را به عنوان مسیری برای تصمیمات خود در نظر می‌گیریم. فکر نکردن و انتخاب نکردن، خدای منعکس‌کننده ما را نقض می‌کند.

به عبارت دیگر، اگر بگوییم، اوه، هر چه، یا جستجوی پاسخ به سوالات خود را رها کنیم، خدا را جلال نمی‌دهیم. ما به خدا توهین می‌کنیم. خدا ما را آفریده است تا در جستجوی خود، هم برای او و هم برای چیزهای دیگر، او را منعکس کنیم.

سنت، کارکردهای سنتی ایماگو (تصویر وجودی) را در انسان‌ها ایفا می‌کند. بسیار خوب، از آنجا به اسلاید ششم می‌رویم. پیامدهای هبوط.

ما در این مورد زیاد صحبت کرده‌ایم، اما بیایید فقط به چند نکته‌ی برجسته بپردازیم. هبوط، نوئتیک را تعریف کرد، و کلمه‌ی نوئتیک از کلمه‌ی یونانی نوس به معنای ذهن می‌آید. یک اثر نوئتیک وجود دارد، یعنی هبوطی که بر ذهن تأثیر می‌گذارد.

ما حتی از نظر ذهنی هم آن چیزی نیستیم که می‌توانستیم باشیم. هر از گاهی، کسی از راه می‌رسد. آیا عجیب نیست که چگونه کودکان اوتیسم می‌توانند در برخی زمینه‌ها چنین ذهن‌هایی داشته باشند؟ منظورم این است که شگفت‌انگیز است.

اصطلاح هبوط یک ساختار الهیاتی است که پیامدهای گناه آدم را برای کل نژاد بشر به تصویر می‌کشد. همه ما از این نظر هبوط کرده‌ایم. و هبوط به این معنی نیست که ما تا حد امکان بد هستیم، بلکه به این معنی است که تا زمانی که در مسیح رستگار نشویم، در بدترین شرایط ممکن هستیم.

منابع کلیدی در مورد چگونگی تأثیر هبوط بر زمینه انسانی. ما به تعدادی از منابع نگاه کرده‌ایم، و شما به منابع بیشتری نگاه کرده‌اید زیرا از شما خواسته‌ام که این کار را در یادداشت‌ها انجام دهید. کلمه گناه فقط یک تکواژ است؛ کلمه‌ای تک‌هجایی است که شورش علیه خدا و نقض خدا را به تصویر می‌کشد.

سه کلمه مهم در عهد عتیق وجود دارد. ما کلماتی مانند تجاوز، گناه و بی عدالتی داریم. و تجاوز به معنای تجاوز به حریم دیگران است.

شرارت با بدی و گناه با خطا در هدف‌گیری مرتبط است. هر سه این کلمات به صورت استعاری به کار می‌روند، زیرا قبل از اینکه به عنوان استعاره برای گناه به کار روند، در چیزی غیر از دین وجود داشته‌اند.

گناه و خطا در هدف، نافرمانی از دستورات خدا را توصیف می‌کنند. مطالعه‌ی بسیار خوبی در این مورد در مزمور ۵۱ وجود دارد. تمام این کلمات در مزمور ۵۱ استفاده شده‌اند که تأمل داوود در مورد گناهِش با بتشیع را توصیف می‌کند.

این متن بسیار جذابی است که می‌توانید نگاهی به آن بیندازید. چگونه می‌توانیم خود را از پیامدهای هبوط محافظت کنیم؟ خب، تنها یک راه وجود دارد و آن این است که از کتاب مقدس برای تغییر طرز فکر خود استفاده کنیم. جهان‌بینی و ارزش‌های ما و آموزش مداوم، طبق آموزه‌های کتاب مقدس، تنها راهی است که می‌توانیم خود را فراتر از آسیب‌هایی که هبوط ایجاد کرده است، پیش ببریم.

و این ناقص خواهد بود، اما روزی ما آنطور که شناخته شده‌ایم، همانطور که خود کتاب مقدس می‌گوید خواهیم شناخت. بنابراین، پیامدهای سقوط، حوزه دیگری است که در تعدادی از بررسی‌های مبتنی بر اراده خدا از قلم افتاده است. آنها به اندازه کافی وحشتناکی سقوط را توضیح نمی‌دهند.

خب، پیامدهای نقش کتاب مقدس. خب، کتاب مقدس تنها وسیله شناخت ما از خداست. بله، می‌توانید به طبیعت نگاه کنید، و من معتقدم که طبیعت منعکس‌کننده خداست، اما واقعیت این است که برای درک طبیعت باید از دریچه کتاب مقدس به آن نگاه کنید.

آنچه داوود گفت، آسمان‌ها جلال را اعلام می‌کنند، فلک، صنعت دست را نشان می‌دهد، روز به روز سخن می‌گوید. داوود مؤمنی بود که در مورد عظمت خدا در خلقت تأمل می‌کرد. او یک ملحد نبود که بگوید، اوه، به این نگاه کنید.

اصلاً اینطور نیست. خواندن سطحی برای یک متن نمونه از این نظر خطرناک است. بسیاری از مردم به آن متوسل می‌شوند.

نقش کتاب مقدس کاملاً ضروری است. شما نمی‌توانید متن کتاب مقدس را گلچین کنید تا برای کاری که می‌خواهید انجام دهید، دلیل و برهان بیاورید. شما خواهید گفت که خدا مرا به این سمت هدایت می‌کند، اما واقعیت این است که شما در حال ساختن دلیل و برهان هستید.

شما کلماتی را پیدا خواهید کرد که با آنچه در اعماق وجودتان می‌خواهید انجام دهید، مطابقت داشته باشند. گاهی اوقات از این موضوع آگاه هستید، گاهی اوقات نه. می‌توانید در انجام این کار جدی باشید، اما این یک روش کاملاً ناقص است که برای اثبات یک نکته، متنی را در کتاب مقدس گلچین کنید.

تفسیر جدی کتاب مقدس ضروری است. به اندازه کافی گفته‌ام، اینطور نیست؟ قضاوت در مورد اراده خدا برای اعمالتان یک بازی نیست. این یک کار جدی است و شایسته تأمل جدی است.

این لیاقت بهترین‌های شما را دارد. برای مثال، اگر قرار است در خدمت باشید، لیاقت بهترین تحصیلاتی را که می‌توانید دریافت کنید، دارد. همه ما محدودیت‌هایی در مورد کارهایی که توانستیم در طول آن سال‌های تحصیل انجام دهیم، جاهایی که توانستیم برویم و معلمانی که توانستیم استخدام کنیم، داریم.

اما نکته اصلی این است که بخش زیادی از آن به خودمان بستگی دارد که آنچه را که به ما می‌دهند، بپذیریم و واقعاً بر آن مسلط شویم و آن را به سطح بالاتری ببریم. من شاگردان زیادی دارم که از هر کاری که من تا به حال انجام داده‌ام، بسیار فراتر رفته‌اند. فکر می‌کنم این کمی خجالت‌آور است.

اما واقعیت این است که من شاگردانی داشته‌ام که بسیار فراتر از جایی که من سعی کرده بودم آنها را به آنجا ببرم، رفته‌اند و من به آنها بسیار افتخار می‌کنم. وقتی کتاب مقدس به شما دستور مستقیم، یک امر مستقیم می‌دهد، هیچ پاسخ یا دستورات عمل ساده‌ای خارج از دستورات مستقیم وجود ندارد. و با این حال، حتی کسانی که همسایه خود را دوست دارند، این باید تعریف شود.

خدا را دوست داشته باش، این باید تعریف شود. در نتیجه، حتی فرمان دهن هم ممکن است پشتش کلی حرف باشد. ما در مورد اینکه نباید کسی را بکشی صحبت کردیم.

دروغ نگو. کمی در موردش صحبت کردیم. خوب، دستورات باید رعایت شوند، اما گاهی اوقات، حتی باید با معانی عمیق‌تر خود دستورات هم سر و کله بزنیم.

تصمیم‌گیری، عمل‌گرایی نیست. یعنی عمل‌گرایی بر اساس آنچه منطقی است عمل می‌کند. شاید برای شما منطقی باشد یا برای کلیسا منطقی باشد.

اما این تصمیم‌گیری نیست. تصمیم‌گیری، قضاوت منطقی بر اساس کتاب مقدس است و شما چیزی دارید که وصل کنید. شما خطوطی دارید که منطقی را E را به C و C را به A ما آن را خطوط منطقی می‌نامیم. می‌توانید که برای یک تصمیم خاص در زندگی به کار می‌برید، به هم متصل می‌کنند.

مهم نیست آن چیست. ما به چند مثال اشاره کرده‌ایم و به چند مثال دیگر هم اشاره خواهیم کرد. می‌توانید آنها را چند برابر کنید.

بیشتر آنها چیزهایی خواهند بود که مستقیماً در کتاب مقدس به آنها پرداخته نشده است زیرا این موارد بسیار چالش برانگیزتر هستند و اینها مواردی هستند که ما سعی در کشف آنها داریم. علاوه بر این، پیامدهای آزادی انتخاب ما. من قبلاً گفته‌ام که آزادی انسان یک افسانه است.

چرا؟ به خاطر کالوینیسم شدید یا چیزی شبیه به آن نیست. به این خاطر است که ما گناهکاریم. ما در دام خودخواهی‌هایمان گرفتار شده‌ایم.

ما در ذهنی گرفتار شده‌ایم که به طور طبیعی به سمت خدا حرکت نمی‌کند. همه ما مطابق با طبیعت خود و جهان بینی و ارزش‌هایی که می‌شناسیم و به کار می‌بریم، فکر و عمل می‌کنیم. قبل از مسیحی شدن، جهان بینی و ارزش‌های ما به سمت خدا نبود.

آنها نسبت به خودمان بودند. خودخواهی. آنها می‌توانستند نجیب‌تر و برای جامعه، شهر و ایالت شما باشند، انگار که یک سیاستمدار بی‌گناه وجود دارد، گمان می‌کنم.

من قصد ندارم به آنجا بروم. اما واقعیت این است که ما در طبیعت خود گرفتار شده‌ایم و این موضوع آزادی انسان را به مقوله جدیدی وارد می‌کند. ما از نظر طبیعت خود آزاد هستیم.

من از این تشبیه استفاده می‌کنم. کشش یک قطار در جهت طبیعت آن است. و کشش اراده ما، با استفاده از این تشبیه، در جهت طبیعت ماست.

ما، بنا به تعریف، مورد ظلم واقع شده‌ایم. و بنابراین باید تغییر کنیم. باید متحول شویم تا بتوانیم در مسیرهای درست حرکت کنیم و تصمیمات خوبی بگیریم.

ما در این مورد خود تعیین‌کننده هستیم. ما خود تعیین‌کننده هستیم که آیا طبیعت قدیمی را به کار می‌گیریم یا طبیعت جدید را. امیدواریم که با طبیعت جدید و چیزهای خوب نیز خود تعیین‌کننده باشیم.

این یک تصویر الهی است که اجازه دارد در ما عمل کند، حتی اگر ناقص باشد. خب، همین. آزادی انسان. مقوله بسیار جالبی است.

متکلمان زیاد در مورد آن صحبت می‌کنند. آنها به ویژه می‌خواهند در مورد آن در رابطه با رستگاری صحبت کنند. اما واقعیت این است که آزادی انسان، در نهایت، یک افسانه است.

از آنجا که ما گناهکاریم و حتی گناهکاری که به لطف الهی نجات یافته‌ایم، باید جهان‌بینی و ارزش‌های خود را تغییر دهیم تا آزادی ما به طور مناسب به کار گرفته شود. طبیعت انسان ترکیبی از ویژگی‌هاست. طبیعت یک واحد هستی‌شناختی نیست.

خب، ما از این کلمه استفاده کردیم. خب، من یک طبیعت جدید دارم، یک طبیعت قدیمی. بعضی‌ها استفاده کرده‌اند، می‌گویند خب، هر مسیحی مثل دو سگ است.

شما یک سگ سفید و یک سگ سیاه دارید. سگ سفید نماد تقوا و سگ سیاه نماد گناه است. و هر کدام را که بیشتر غذا بدهید، همان کسی خواهد بود که در نبرد پیروز می‌شود.

ببخشید، این علاوه بر اینکه از نظر سیاسی در مورد رنگ پوست نادرست است، مثال وحشتناکی هم هست. احتمالاً خیلی چیزها هست که نباید بگوییم.

اما چون این یک افسانه نیست، فقط برداشت‌هایی است که مردم از آن می‌کنند. اما واقعیت این است که شما دو سگ نیستید که اینطور با هم دعوا کنید. شما یک سگ هستید.

و اسم تو اسپات است. بعد از اینکه مسیحی شدی، یا سفیدی با لکه‌های سیاه، یا سیاهی با لکه‌های سفید. واقعیت این است که ترکیبی از صفات وجود دارد که تو برای انجام آنها فراخوانده شده‌ای.

اطاعت کردن. در رابطه با فضایل و رذایلی که باید از آنها اجتناب کرد و در کتاب مقدس ذکر شده است. افراد دارای تولد تازه، طبیعت قدیمی و طبیعت جدید را دارند.

دو طرز فکر متفاوت. و ما انتخاب می‌کنیم که از کدام یک اطاعت کنیم. ما با آموزش، یادگیری بهتر کتاب مقدس و عشق به خدا سعی می‌کنیم طبیعت کهنه را از بین ببریم.

اما این هرگز از بین نخواهد رفت تا زمانی که ما با آمدن دوم مسیح از نظر جسمی رستگار شویم. انسان‌ها در مورد اینکه چه کسی هستند و چرا رفتار می‌کنند ساده‌لوح هستند، زیرا انسان‌ها معمولاً به اندازه کافی عمیق فکر نمی‌کنند تا خود را بشناسند. مردم دائماً چیزهایی می‌گویند

، آنها در موردش فکر نکرده‌اند. و اگر مثل من آنقدر احمق باشید که آنها را به چالش بکشید و بگویید خب منظورتان از این حرف چیست؟ از کجا این را می‌دانید؟ آنها تقریباً عصبانی می‌شوند. در نتیجه، همه ما بخشی از آن شکست هستیم.

شکست انسان. انسان‌ها در مورد اینکه چه کسی هستند و چرا رفتار می‌کنند، ساده‌لوح هستند، زیرا انسان‌ها معمولاً به اندازه کافی عمیق فکر نمی‌کنند تا خودشان را بشناسند. خودت را بشناس.

پیش‌فرض‌هایت را بشناس. گرایش‌هایت را بشناس. حسرت را بشناس.

تا شما، به لطف خدا، بتوانید از آنها دور شوید. آن قطار را در مسیر بهتری قرار دهید. انسان‌ها در مورد اینکه چه کسی هستند و چرا رفتار می‌کنند، ساده‌لوح هستند، زیرا انسان‌ها معمولاً نمی‌توانند فکر کنند

نمی‌دانم که گرفتم یا نه. فکر می‌کردم قبلاً آن را برداشته‌ام. بله، گرفتم.

بنابراین، آزادی ما در انتخاب واقعی است. بله، واقعی است. شما آزاد هستید که انتخاب کنید.

اما شما آزاد نیستید. زیرا شما در جهت طبیعت خود انتخاب خواهید کرد، مگر اینکه آن طبیعت را در جهت جدیدی آموزش دهید. در ذهن ما، چه تجدید شده و چه اصیل، باید بر اساس جهان بینی و ارزش‌های خود، از انتخاب‌های خود آگاه باشیم.

آیا ما مطیع طبیعت کهنه خواهیم بود؟ یا مطیع طبیعت نو؟ ببخشید، اعمال نفس؛ ثمره روح و اعمال نفس دو نمونه اصلی از طبیعت نو هستند: ثمره روح، اعمال طبیعت کهنه در جسم. و انواع فهرست‌های فضایل و رذایل در عهد جدید وجود دارد که می‌توانیم از آنها درس بگیریم. بسیار خب.

به اسلاید بعدی می‌رویم. پیامدهای مدل جهان‌بینی و ارزش‌ها. انتخاب خرد مبتنی بر کاربرد اخیر جهان‌بینی و ارزش‌های ماست، نه عمل‌گرایی. مثلاً بعضی‌ها می‌گویند کاری را که فکر می‌کنی عاقلانه است انجام بده، بدون هیچ دلیل منطقی. اگر هیچ دلیل منطقی وجود نداشته باشد، حرفی برای گفتن نداری.

دانستن و انجام اراده خدا بر اساس حدس و گمان ما نیست، بلکه بر اساس چیزی است که می‌توانیم به عنوان جهان‌بینی و ارزش‌های خود توضیح دهیم. بر اساس آنچه من احساس می‌کنم نیست. احساسات چیزهای عالی هستند و همه ما می‌خواهیم عمیقاً در مورد چیزها احساس کنیم، اما واقعیت این است که احساس ذهن دگرگون‌شده نیست.

این احساس یک محصول است. اگر کار درست را انجام دهید، احساس خوبی خواهید داشت. اگر کار اشتباه انجام دهید، احساس بدی خواهید داشت.

و بنابراین، در نتیجه، باید مراقب باشیم که چگونه خدا را به خاطر صداهایی که در سرمان می‌شنویم و آنها را حدس و گمان می‌نامیم، سرزنش می‌کنیم و می‌گوییم خدا به من گفته است. خب، خدا نگفته است. این خودت هستی که با خودت صحبت می‌کنی.

روح خدا شما را به عنوان وجدانی که درست می‌گوید، محکوم خواهد کرد، قطار شما را در رابطه با جهان بینی تان محکوم خواهد کرد. اینها صداهایی هستند که آنجا هستند، اما به شما محتوا نمی‌دهند. آنها به سختی فشار محکومیت را در رابطه با محتوایی که شما تشخیص می‌دهید و به کار می‌برید، اعمال می‌کنند.

ما عمل می‌کنیم چون دلایلی برای انجام آن داریم. خب، این یک عبارت بسیار مهم است. دلایلی برای انجام آن.

لطفاً در موردش فکر کن. هر کاری که انجام می‌دهی، در مورد چیزی جدی فکر کن. باید این کار را روی کاغذ انجام دهی، جایی که بتوانی آن را ببینی و با خودت با صدای بلند فکر کنی. و خطوط منطقی را از یک طرف به طرف دیگر بکش تا خوب و بد را نشان دهی.

این کار را با صدای بلند انجام دهید. آن را با افرادی که می‌توانید با آنها گفتگوی خوبی داشته باشید، در میان بگذارید. ما باید چالش‌های موجود در فرآیند تفکر خود را درک کنیم.

ما قصد داریم این موارد را در بخش بعدی، که بخش سوم پس از سخنرانی بعدی خواهد بود، باز کنیم. از آنجا که ما صرفاً انسان هستیم، همیشه تنش وجود خواهد داشت. ما هرگز کاملاً مطمئن یا راضی نخواهیم بود.

این طبیعت زندگی در قلمرو انسانی نیست. خداوند به ما تفسیرهای الهام‌بخش و از این قبیل چیزها نداده است، بنابراین باید مراقب خودمان باشیم و بدانیم که یک فرد خوب احتمالاً هرگز در تصمیم‌گیری به آن اندازه که می‌خواهد راحت نیست، اما باید به جلو حرکت کرد. و اگر این کار را به روش صحیح انجام دهید، بهترین تصمیم ممکن را می‌گیرید.

حالا، می‌خواهم به فریزن برگردم. چند باری به آن اشاره کرده‌ام و اینجا هم به آن اشاره می‌کنم. پیامدهایی برای فریزن. اگر کتاب او را نمی‌شناسید، در پایان سخنرانی‌هایمان کمی آن را به شما معرفی می‌کنم، اما چند سال پیش کتاب مهمی در ایالات متحده بود.

تا جایی که به من مربوط می‌شود، فریزن در مورد آزادی انسان ساده‌لوح است. هبوط در مدل او به اندازه کافی در نظر گرفته نشده است. تأثیر عقلی هبوط هم بر مؤمنان و هم بر گناهکاران تأثیر می‌گذارد.

بنابراین، اگر او به شما بگوید کاری را انجام دهید که از نظر معنوی به صلاح شماست، از کجا می‌دانید که در مورد آنچه واقعاً از نظر معنوی به صلاح شماست فکر می‌کنید؟ این یک خطاب نیست. آزادی ما توسط طبیعت و بلوغ ما محدود می‌شود. ما با پیشرفت به بلوغ می‌رسیم.

من موافقم که با وجود بسیاری از تصمیمات در زندگی، تکرار یک تصمیم بد بخشی از بلوغ به عنوان یک تصمیم گیرنده است. در واقع، همانطور که شخصی زمانی گفته بود، خدا کار خود را بر اساس اشتباهات ما بنا می‌کند. گاهی اوقات، به خواست خدا، ما تصمیمی می‌گیریم که خوب نیست.

این یک تصمیم غیراخلاقی نیست، بلکه تصمیمی است که خوب نیست. و ما این را بعد از اینکه درگیرش می‌شویم متوجه می‌شویم. و بعد باید راه خودمان را برای خروج از آن پیدا کنیم.

اما ما از تصمیمات بد چیزهایی یاد می‌گیریم که اگر از همان ابتدا تصمیم درست را می‌گرفتیم، هرگز آنها را یاد نمی‌گرفتیم. آیا تا به حال فکر کرده‌اید که شاید این مشیت الهی است که چگونه چیزهایی را به ما بیاموزد؟ من فکر می‌کنم. و این یک فکر بسیار عمیق برای اندیشیدن است.

حکم او، حکم فریزن، این است که هر تصمیمی که در چارچوب اراده اخلاقی خدا گرفته شود، مورد قبول خدا است. من فکر نمی‌کنم این اصلاً کافی باشد. هر تصمیمی که بگیری و ناقض اراده اخلاقی خدا نباشد، قابل قبول نیست.

خب، شما باید تصمیماتی بگیری که اراده اخلاقی خدا را نقض نکند. اما وقتی با نقض اراده اخلاقی خدا سر و کار نداری، خیلی بیشتر باید به این فکر کنی که چه تصمیمی خوب است. حتی بیشتر از وقتی که با اراده اخلاقی سر و کار داری.

اراده اخلاقی خدا بزرگتر از مدل فریزن است. اراده خدا بزرگتر از مدل فریزن است. دلالت اراده اخلاقی خدا نیازمند تشخیص است و خرد، جایگزین‌ها را تشخیص می‌دهد.

حکمت به عنوان مصلحت معنوی به سختی یک الگوی کتاب مقدسی است. ما در درس‌های عهد عتیق در مورد حکمت صحبت می‌کنیم، و اینطور نیست. حکمت واقعاً بیان یک جهان‌بینی و سیستم ارزشی مبتنی بر قانون است اما نه نقل قول از قانون. بنابراین، خواندن متون حکمت و تلاش برای ردیابی آن تا جایی که می‌توانیم چیزی در موسی ببینیم که دلالت بر این داشته باشد، بسیار جالب است. آنها این را از کجا می‌آورند؟ حکمت زیاد در مورد خلقت صحبت می‌کند.

نه، همین‌جا چند سوال مطرح می‌شود. بنابراین، باید مطمئن شویم که متوجه شده‌ایم خرد، آن چیزی نیست که شما ساده‌لوحانه فکر می‌کنید و کسی کاری را انجام می‌دهد که شما اتفاقاً با آن موافق هستید و آن را خردمندانه می‌نامد. خب، همین کافی است.

در پایان سخنرانی‌هایمان به آن برمی‌گردم و سه دیدگاه را به شما نشان می‌دهم که من آنها را رقابت می‌نامم. این دیدگاه من بود، و رقابت یک جهان‌بینی و دیدگاه مدل بود. بسیار خوب، متشکرم. ما یک سخنرانی کوتاه دیگر داریم که در آن به مواردی که پردازشی هستند که قرار است انجام دهیم، جایی که تفکر را پردازش می‌کنیم نگاهی خواهیم انداخت و سپس به چالش‌های ذهنی خواهیم پرداخت، که سخنرانی‌هایی هستند که نمی‌خواهید از دست بدهید زیرا آنها واقعاً جنبه بسیار جالبی از شناخت خودمان هستند.

فقط همین‌طوری می‌گم. ممنونم، روز خوبی داشته باشید.